

مسئولان با کامل اجرا نکردن قانون اساسی، مردم را به زحمت انداخته‌اند

انباشت مشکلات با ضعف اجرای قانون اساسی

اصول متعدد قانون اساسی برای گشودن گره‌های ریزودرشت مردم در ساحت‌های مختلف است و اگر به درستی اجرا شود، شاهد بی‌نظمی‌های موجود نخواهیم بود

قانون اساسی به عنوان منشور نظام سیاسی کشورمان، ضامن زندگی راحت یکایک مردم است ولی تاکنون اصول متعدد آن به خوبی عملیاتی نشده‌است. اهمیت وجود چنین قانونی آنجاست که زندگی اجتماعی انسان‌ها در درون نظام سیاسی و حکومت شکل می‌گیرد و به همین جهت اندیشمندان همواره حکومت را به عنوان یک ضرورت اجتماعی تلقی کرده‌اند. این یک ضرورت حکم عقلی است و آنچه از روایات در این زمینه وارد شده، ارشاد و مؤید همین حکم عقلی است. از جمله روایات در باب ضرورت حکومت، بیان امیرالمؤمنین(ع) در نهج البلاغه است که در مقابل خوارج افراطی که شعار «لا حکم الا الله، جز حکم خدا، حکمی نیست» سر می‌دادند و بر نفی وجود هر نوع حکومت در جامعه اسلامی تأکید داشتند؛ ایشان فرمودند: «انه لا ینبئ الناس من امیر ثر او فاجر... مردم به ضرورت، باید حاکمی داشته باشند، نیکوکار باشد یا بدکار.» در واقع ضرورت وجود قانون و حکومت در جامعه از مسلمات است و شرع اسلام بر آن اذعان دارد. میرهن است که وجود قانون از بی قانونی هرج و مرج بهتر است.

قانون اساسی در هر کشوری یک‌بالدستی است که سایر قوانین و مقررات در هماهنگی و تطابق با آن اجرایی می‌شود و پیش می‌رود؛ ميثاق ملی که در تمام دنیا یک عزم ملی و اراده دسته‌جمعی در قالب یک انقلاب و تحول اساسی بروز و ظهور یافته‌است؛ قانونی که در جمهوری اسلامی ایران به عنوان معدود کشور فرایند نوشتن و سپردن تنظیم آن به نمایندگان مردم نقش داشتند.

در واقع این قانون اساسی است که به عنوان قانون مادر ضمن تنظیم روابط حاکم و شهروندان، به تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان می‌پردازد. شاید این گفته‌های خیرالله پروین، استاد علم حقوق و از اعضای حقوقدان شورای نگهبان بهترین و ساده‌ترین نوع تعریف از تطابق حکمرانی خوب به واسطه قانون اساسی باشد: از ابتدای زیست بشر، حکمرانی وجود داشته است.

انسان در حکمرانی نقش مهم و اثرگذاری دارد و جایگاه آن در این موضوع در طول زمان تغییر کرده و از رعیت به شهروند رسیده است. انسان تا پیش از آنکه به شهروند تبدیل شود، رابطه‌اش با حاکم، مبتنی بر قدرت بود، اما پس از آن رابطه انسان با حاکم بر مبنای حق و تکلیف تنظیم شد، به این معنا که انسان دارای حق و حاکم مجبور به تکلیف شد. با تغییر رابطه انسان با حاکم، نوع حکمرانی نیز تفاوت پیدا کرد و به تدریج بحث‌های علمی پیرامون آن پدید آمد.

در مراکز علمی و دانشگاهی در حوزه‌های حقوقی،

مدیریتی و اقتصادی دربارۀ حکمرانی کنش‌اش و

ویژگی‌ها و شاخص‌هایی برای این موضوع معرفی شده است.

هر چیزی که می‌خواهد الزام‌آور شود و ثبات به وجود بیاورد، باید از غریال علم حقوق عبور کند. موضوع «حکمرانی» نیز مستثنی از این قضیه نیست. قانون اساسی در رأس هنجارها و قواعد حقوقی قرار دارد و به عبارت دیگر «منشور حکمرانی» به حساب می‌آید.

به صورت کلی حکمرانی در عرصه ملی به دنبال تنظیم و شکل‌دهی یک روش و شیوه برای اعمال حاکمیت بوده و «دولت» مهم‌ترین بازیگر در حکمرانی ملی است.

حکمرانی خوب راهکاری‌هایی برای افزایش نقش شهروندان در تصمیمات به‌منظور افزایش کارآمدی حکومت ارائه می‌دهد و ظرفیت‌هایی در قانون اساسی برای حکمرانی خوب وجود دارد.

مؤلفه‌های حکمرانی خوب به گونه‌ای در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید بسیاری بوده است و در عرصه عمل نیز شاهد فرازونشیب این شاخص‌ها پس از انقلاب هستیم. از جمله وظایف و کارکردهای قانون اساسی، تعیین کیفیت و چگونگی توزیع قدرت سیاسی و سازماندهی اقتدار است که اصول آن در متون قانون اساسی منعکس شده‌است. یکی از محورهای قانون اساسی مادی‌محوربودن و مردم‌پایه‌بودن این قانون است؛ قانونی که تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های مردم کشور است تا جایی که در یک فصل به صورت مجزا به انواع حقوق مردم و آزادی‌های اجتماعی و حدود آن پرداخته شده‌است.

حقوق ملت در قانون اساسی

مهم‌ترین حقوقی که در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن پرداخته شده به این نحو است:

– حق کرامت و برابری انسانی (اصل‌های ۲۰، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۷ و ۳۹ قانون اساسی)
– حق آزادی و امنیت شهروندی (اصل‌های ۹، ۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۷ و اصول ۳۲ تا ۴۱ قانون اساسی)
– حق مشارکت در تعیین سرنوشت (اصل‌های ۳، ۲۷ و ۵۹ قانون اساسی)

– حق اداره شایسته و حسن تدبیر (اصل سوم قانون اساسی)

– حق آزادی اندیشه و بیان (اصل ۲۳ و ۲۴ قانون اساسی)

– حق دسترسی به اطلاعات (اصل‌های ۶۰، ۱۶۵ و ۱۶۷ قانون اساسی)

– حق حریم خصوصی (اصل‌های ۲۲، ۲۳ و ۲۵ قانون اساسی)

– حق تشکیل، تجمع و راهپیمایی (اصل‌های ۲۶، ۲۷ و ۱۰۴ قانون اساسی)

– حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت و آمد (اصل‌های ۲۳، ۴۲ و ۷۹ قانون اساسی)

– حق تشکیل و برخورداری از خانواده (اصل‌های ۱۰، ۲۱ و ۴۳ قانون اساسی)

– حق برخورداری از دادخواهی عادلانه (اصل‌های ۳۲، ۳۳، ۴۲ و ۳۹ قانون اساسی)

– حق اقتصاد شفاف و رقابتی (اصل‌های ۳، ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی)

– حق مسکن (اصل‌های ۳، ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی)

– حق مالکیت (اصل‌۴۶ و ۴۷ قانون اساسی)

– حق اشتغال و کار شایسته (اصل‌های ۳، ۲۸ و ۴۳ قانون اساسی)

– حق رفاه و تأمین اجتماعی (اصل‌۳ و ۲۹ قانون اساسی)

– حق دسترسی و مشارکت فرهنگی (اصل‌های ۲۰، ۵۹ و ۱۰۰ قانون اساسی)

– حق آموزش و پژوهش (اصل‌های ۳۰، ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون اساسی)

– حق محیط‌زیست سالم و توسعه پایدار (اصل‌های ۲، ۴۳ و ۵۰ قانون اساسی)

– حق صلح، امنیت و اقتدار ملی (اصل‌های ۲، ۲۸، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون اساسی)

وظایف و اختیارات مسئولان در قانون اساسی

اصول مختلفی را که در قانون اساسی، مبین وظایف و اختیارات مسئولان نظام است نیز می‌توان از جمله اصول مربوط به حاکمیت قانون دانست. اصل ۱۱۰ و اصولی همچون ۱۷۳، ۱۷۰، ۱۵۶، ۱۴۰، ۱۲۸، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۱۳، ۷۲ و ۷۱ محدوده وظایف و اختیارات کارگزاران نظام اسلامی را تعریف کرده است.

اصل ۱۳۴، ۱۲۲، ۸۹ و ۸۸ در خصوص مسئولیت سیاسی رئیس‌جمهور در برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی و در اصل ۱۴۰ در رابطه با مسئولیت کیفری آن مقام در بند ۱۰ اصل ۱۱۰ در ارتباط با مسئولیت رئیس هیئت وزیران توجه شده است.

مسئولیت سیاسی وزیران در اصول ۸۸، ۸۹ و ۱۲۷ و مسئولیت کیفری آنان در اصل ۱۴۰ قانون



قانون اساسی در سپهر اندیشه امام خمینی (ره)

سیاسی – حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. ایشان به مناسبت‌های مختلف و در سخنرانی‌های متعدد،

ضمن تأکید بر ضرورت تأسیس نهاد متولی قانون، محتوای سیاسی و درونمایه دینی آن را مورد توجه قرار می‌دادند و قانون اساسی مطلوب جمهوری اسلامی ایران را قانونی که در پر تو شریعت اسلام و پذیرش مردم است، اعلام کردند. حضرت امام(ره) در این‌سبب فرمودند: «قانون اساسی و سایر قوانین در این جمهوری باید صدرصد بر اساس اسلام باشد و اگر یک ماده هم برخلاف احکام اسلام باشد، تخلف از جمهوری و آرای اکثریت قریب به اتفاق ملت است.» (صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۰۸)

رهبر کبیر انقلاب اسلامی تنها چند روز پیش از فرارندوم قانون اساسی در آذرماه ۱۳۵۸ پی‌همی خطابه به ملت ایران صادر کردند و در بخشی از آن مرقوم فرمودند: «قانون اساسی یکی از ثمرات عظیم، بلکه بزرگ‌ترین ثمره جمهوری اسلامی است و رأی ندادن به آن به هدر دادن خون شهیدان ماست. مبدا تحت تأثیر دشمنان اسلام رفته و از رأی دادن و حضور در

خمينی(ره) حکومت اسلامی را حکومت مشروطه‌می‌دانستند، چراکه قانون الهی بر آن حکمفرماست.

در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) قانون از ضروریات اولیه تشکیل حکومت اسلامی و قانون اساس حکومت در اسلام است: «حکومت اسلام حکومت قانون است. در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون فرمان و حکم خداست. قانون اسلام با فرمان خدا، بر همه افراد و دولت اسلامی حکومت تام دارد. همه افراد از رسول اکرم(ص) گرفته تا خلفای آن حضرت و سایر افراد تا بد تابع قانون هستند، همان قانونی که از طرف خدای تبارک و تعالی نازل شده و در لسان قرآن نبی اکرم(ص) بیان شده است.» (ولایت فقیه: صص ۴۴ و ۴۵)

باید توجه داشت حضرت امام(ره) علاوه بر اهتمام به اصل تدوین قانون اساسی به مثابه سازوکاری برای مشروطه‌بودن حکمرانی، اسلامی‌بودن قانون اساسی را نیز محل توجه قرار دادند؛ زیرا معتقد بودند این‌سند باید در چارچوب شریعت و با بهره‌گیری از موازین اسلامی، عهده‌دار نظم‌دهی

مؤلفه‌های حکمرانی خوب به گونه‌ای در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید بسیاری بوده است

در عرصه عمل نیز شاهد فرازونشیب این شاخص‌ها پس از انقلاب هستیم. از جمله وظایف و کارکردهای قانون اساسی، تعیین کیفیت و چگونگی توزیع قدرت سیاسی و سازماندهی اقتدار است که اصول آن در متون قانون اساسی منعکس شده‌است. یکی از محورهای قانون اساسی مادی‌محوربودن و مردم‌پایه‌بودن این قانون است؛ قانونی که تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های مردم کشور است تا جایی که در یک فصل به صورت مجزا به انواع حقوق مردم و آزادی‌های اجتماعی و حدودآن پرداخته شده‌است.

اساسی مورد توجه قرار گرفته است. اصل ۸۴ قانون اساسی، مسئولیت سیاسی نمایندگان مجلس در مقابل شهروندان است و اصل ۱۷۱ در خصوص مسئولیت حقوقی قضات در صدور رأی و مفهوم خلاف اصل ۱۶۴ در رابطه با مسئولیت کیفری و اداری آنان در صورت ارتکاب جرم یا تخلف نیز جالب توجه است.

پاسخگویی در قانون اساسی

در ایران اسلامی تمامی نهادها و قوای حاکم بر اساس قانون اساسی باید پاسخگویی عملکرد خود باشند. اصل ۱۱۱ قانون اساسی در خصوص نظارت مجلس خیرگان بر رهبری و اصول ۱۳۶، ۱۳۳، ۸۹، ۸۸، ۷۶، ۵۴ و ۵۲ قانون اساسی مبین نظارت مجلس شورای اسلامی بر قوه مجریه است. اصل ۱۷۳، ۱۷۰ و ۱۴۰ و بند ۱۰ اصل ۱۱۰ از ارتباط با نظارت قوه قضائیه بر قوه اجرایی کشور است. اصل ۵۷ و بندهای ۷ و ۱۷ و اصل ۱۱۰ به نظارت رهبری سر قوه سه‌گانه اختصاص یافته است. اصل ۱۴۲ قانون اساسی، رسیدگی به اموال و اداری مسئولان بر عهده رئیس قوه قضائیه قرار داده شده است.

قانونگذار اساسی سیاست‌های ویژه‌ای را در زمینه تأمین اجتماعی (اصل ۲۹) حق کار (اصل ۲۸)، سیاست‌گذاری اشتغال (اصل ۴۳)، به کار نداشتن انفصال و ثروت‌های عمومی (اصل ۴۵) توزیع عادلانه منابع طبیعی کشور (اصل ۴۸)، استرداد ثروت‌های نامشروع (اصل ۴۹)، اقتصاد خانواده (و اقتصاد اجتماعی کار پیش‌بینی کرده است که اعمال صحیح آن عدالت‌ساز و عدالت‌گستر خواهد بود؛ عدالتی که در همین قانون در معانی مختلف به کار رفته و بیان شده است. عدالت به معنای برابری (اصل ۲۰)، رفع تبعیض (اصل ۳)، شرایط مساوی و برابری (اصل ۲۸) و به معنای حق و حقوق متناسب (اصول ۲۹ و ۳۰) به کار رفته است.

در ساده‌ترین بیان، حاکمیت قانون یعنی انجام هر عملی مطابق قانون باشد. حکومت در ایران، توأمان بر اسلامیت نظام (اصول ۴ و ۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی) و جمهوریت نظام (اصل ششم قانون اساسی) تأکید دارد. قانون اساسی به صورت کلی عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور است که اصول سیاسی، ساختار، جایگاه و حدود قدرت سیاسی دولت را تعیین می‌کند و تضمین‌کننده حقوق شهروندان است.

صلح عمری چیست؟

«صلح عمری» در قوانین حقوقی به معنای قرارداد و عقدی است که فرد اموال یا مال خود را به اشخاصی چون همسر و فرزند یا غیره صلح می‌کند.

آیا در صلح عمری سند منتقل می‌شود؟

بعد از امضای صلح‌نامه، مال به متصالح منتقل می‌شود اما این انتقال، مشروط است.

در صورت صلح عمری، اختیار اموال فرد به چه صورت است؟

تا زمانی که شخص زنده است، هر گونه دخالت و نظارت و اختیار نسبت به مال خود را دارد، اما بعد از مرگش، مالک آن مال، فرزند یا شخص موردنظر خواهد شد و این شرایط، تابع مقررات ارث نمی‌شود.

«صلح عمری» با «وصیت» چه تفاوتی دارد؟

نکته مهم در وصیت کردن این است که افراد تنها می‌توانند تا یک‌سوم اموال خود را برای بعد از فوت وصیت کنند. دوسوم باقی‌ارث بر اساس قانون ارث تقسیم می‌شود، به همین دلیل کسانی که مالکند تمام اموال را منتقل کنند، باید سند رسمی انتقال تنظیم کنند، اما در توافق صلح عمری، مالک علاوه بر اینکه می‌تواند تمام مال را منتقل کند، ضمن انتقال سند حق استفاده از مال را تا پایان عمر برای خودش حفظ می‌کند.

چه موقعی صلح کامل می‌شود؟

با فوت شخصی که اموال را منتقل کرده است، صلح کامل و اموال و املاک متعلق به شخصی می‌شود که اموال به نام وی است.

آیا فروش ملک صلح عمری امکان دارد؟

فروش ملک ممکن است، البته منافع مال در تصرف مصالح خواهد بود، باید خریدار مال از این موضوع باخبر باشد. توصیه می‌کنیم در متن قرارداد، اقرار به آگاهی کنند. در این صورت، در آینده حق فسخ قرارداد خرید و فروش را نخواهند داشت.

آیا در صلح عمری توقیف اموال امکان‌پذیر است؟

تا زمانی که مصالح در قید حیات است، توقیف اموال برای بدهی‌های متصالح امکان‌پذیر نیست، بنابراین حتی اگر شخص طلبکار، همسر متصالح باشد و مهریه خود را اجرا کند، باز هم توقیف مال صلح شده امکان ندارد، زیرا این صلح، یک صلح مشروط است و فقط بعد از فوت مصالح، مالکیت متصالح قطعی می‌شود.

آیا می‌توان صلح عمری را فسخ کرد؟

فسخ مادام‌العمر یکی از شروط مهم صلح عمری است و می‌توانید آن را ذکر کنید. شرط فسخ مادام‌العمر به این معنی است که می‌توانید در هر زمانی که خواستید صلح را به صورت یک‌طرفه و بدون حضور فرد فسخ کنید.

فرق صلح‌نامه و مبیعانه‌ام در چیست؟

تفاوت‌های این دو نوع قرارداد در شرایط آنهاست. به عنوان مثال، خریدار در مبیعانه‌نامه پس از امضای قرارداد، مالک مال می‌شود اما صلح‌نامه عمری، یک صلح مشروط است و مالکیت متصالح پس از فوت مصالح قطعی می‌شود و مالکیت قبل از فوت مشروط است.

آیا به صلح عمری مالیات تعلق می‌گیرد؟

بر اساس ماده ۱۲۲ قانون مالیات‌های مستقیم، مالیات صلح عمری در تاریخ انتقال منافع باید گرفته شود، یعنی اگر مصالح فوت کند، زمانی که مالکیت ملک به شما منتقل شد، مالیات انتقال مال موردنظر اخذ خواهد شد.

آیا باید حتماً در دفتر خانه اسناد رسمی تنظیم شود؟

لازم نیست صلح‌نامه را رسمی کنید، اما توجه کنید که در مورد صلح‌نامه رسمی، فقط ادعای جعل پذیرفته می‌شود، ولی در مورد صلح‌نامه عادی، امکان طرح ادعای انکار و تردید نیز هست.

اگر دفتر خانه گواهی عدم حضور صادر نکرد، چه کار باید کرد؟

زمانی که برای تنظیم سند رسمی در تاریخ تعیین شده به دفاتر اسناد رسمی مراجعه می‌کنید و طرف مقابل حضور پیدا نمی‌کند، از آنجا که صدور گواهی عدم حضور از وظایف سردفتر نیست، می‌توانید از روش‌های دیگری استفاده کنید. با استشهاده و شهادت شهود این موضوع را اثبات کنید. از سردفتر تقاضا کنید برای شما گواهی حضور صادر کند. با ارسال اظهارنامه به صورت رسمی به طرف مقابل ابلاغ کنید که در وقت مقرر در دفتر خانه حضور داشته‌اید.

وضعیت سیم کارت پس از فوت مالک آن چگونه خواهد بود؟

سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی (رگولاتوری) اعلام کرد: به منظور جلوگیری از سوءاستفاده کلاهبرداران از سیمکارت‌های افراد متوفی، رگولاتوری موظف است پس از اعلام سازمان ثبت احوال کشور مبنی بر فوت دارنده سیمکارت، محدودیت‌هایی را برای این سیمکارت‌ها اعمال کند.

پس از شناسایی این دسته از سیمکارت‌ها، پیامک اطلاع‌رسانی با عنوان (مسک رگولاتوری) برای بهره‌بردار سیمکارت ارسال و زمانبندی برای تعیین تکلیف مالکیت خط اعلام می‌شود. وراثت قانونی می‌توانند پس از دریافت مدارک انحصار وراثت از مراجع قانونی، به دفاتر اپراتور خود مراجعه و برای تغییر مالکیت سیمکارت اقدام کنند. در صورت مراجعه نکردن برای تعیین تکلیف خط براساس زمانبندی تعیین شده در پیامک اطلاع‌رسانی، سیمکارت شخص فوت شده، دو هفته پس از ارسال پیامک اطلاع‌رسانی، به صورت یک‌طرفه و ۱۷ روز پس از ارسال پیامک، به طور کامل قطع می‌شود.

